

جلوه‌های شمع در نگاره‌ها و تصاویر

(مبتنی بر تحقیق در دو نسخه خطی حبیب السیر و احسن الکتاب)

فاطمه رجبی



انستیتوت سورمه‌ر (وابسته به حوزه هنری)



پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

جلوه هنر شیعی در نگاره‌های عصر صفوی

نویسنده: فاطمه رحیمی

طراح جلد: مهدی حسینی

چاپ: صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳۰-۰۶۸۵-۴

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سرشناسه: رحیمی، فاطمه، ۱۳۲۲ -

عنوان و نام پدیدآور: جلوه هنر شیعی در نگاره‌های عصر صفوی /
مبتنی بر تحقیق در دو نسخه خطی حبیب السیر و احسن الکبار /
فاطمه رحیمی

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سورمه مهر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۴۲۰ ص.

ISBN: 978-600-03-0685-4

و ده ت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، ۸۸۰-۹۴۲ ق.

ح. سیر فی اخبار افراد البشر -- تصویرها

موضوع: حسن علوی ورامینی، محمد بن ابی‌زید، قرن ۸ ق.

سنن‌الدین محمد قفلاطی الاطهار -- تصویرها

موضوع: هنر شیعی ایران -- تاریخ -- قرن ۸ ق. -- زمینه و موضوع

Islamic painting -- Iran -- 14th century -- Themes, motives

14th century -- Themes, motives

موضوع: نقاشی اسلامی ایران -- تاریخ -- قرن ۸ ق. -- زمینه و موضوع

موضوع: Islamic painting -- Iran -- History

Themes, motives

موضوع: نقاشی ایرانی -- تأثیر شیعی

موضوع: Paintings, Iran -- Shiite influences

موضوع: چهارده معصوم در هنر

موضوع: Fourteen Innocents of Shiite in art

موضوع: امر قدسی در هنر

موضوع: Holy, The, in art

شناسه افزوده: خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، ۸۸۰-۹۴۲ ق.

حبیب السیر فی اخبار افراد البشر

شناسه افزوده: حسن علوی ورامینی، محمد بن ابی‌زید، قرن ۸ ق.

احسن الکبار فی معرفه الائمه الاطهار

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سورمه مهر

رشدی کنگره: ۱۳۹۵-۶۰۰-۰۳۰-۰۶۸۵-۴

رده بندی دیویی: ۷۴۵/۶۷۰.۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۱۳۹۱۸

سایر: تهران: حسین حقیق، حسین رحیمی، ۲۲

صفحه: ۱۱۴۴-۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پژوهش (پنج خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.soorimehr.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

پیشگفتار	۱۱
مقدمه	۲۱
فصل ۱	۳۱
شاخصه‌های قرآنی اعتقاد شیعه	۳۱
۱-۱ ولایت و ولایت	۳۳
۱-۲ عدالت	۳۶
۱-۳ اهل بیت پیامبر (ص)	۳۸
۱-۴ امامت	۴۱
۱-۵ شهادت	۵۱
گواهی دادن	۵۱
شهود	۵۱
گواهی دادن به حقیقت توحید	۵۲
ایثار جان در راه پروردگار	۵۲
۱-۶ مهدویت	۵۳
فصل ۲	۵۷
تاریخ شیعه در ایران تا عصر صفویان	۵۷
۲-۱ نخستین ارتباط ایرانیان با امیرالمؤمنین علی (ع)	۵۹
۲-۲ آغاز قیام‌های شیعی در ایران و خارج از ایران	۶۴

۶۷	۲-۳ آمدن امام هشتم شیعیان به ایران و آرامش موقت
۷۰	۲-۴ شهادت امام هشتم (ع) و تجدید قیام‌های شیعی در ایران و عالم اسلام
۷۳	۲-۵ حکومت نیرومند شیعه در ایران و شکوفایی فرهنگی و ادبی
۷۵	۲-۶ حاکمیت تعصب ضدشیعی در ایران
۷۹	۲-۷ عصر ایلخانی و تیموری، تداوم شکوفایی فرهنگی
۸۴	۲-۸ عصر صفویان، اوج شکوفایی فرهنگی

۹۱	فصل ۳
۹۱	هنر ولایی ماهیت هنر شیعی
۹۳	۳-۱ درآوردن
۹۵	۳-۲ هنر اسامی به هنر ولایی
۹۸	۳-۳ حضرت عالی بن ابی طالب (ع) مبدأ هنر ولایی
۱۰۸	۳-۴ قداست هنر ولایی
۱۱۲	۳-۵ جایگاه «انسان کامل» در هنر ولایی
۱۱۶	۳-۶ هنر شیعی، وجه خاص هنر ولایی
۱۱۸	۳-۷ وجه تفارق هنر ولایی شیعی با هنر ولایی غیرشیعی
۱۱۹	۳-۸ جلوه‌های عمومی هنر ولایی

۱۲۹	فصل ۴
۱۲۹	بررسی مضامین شیعی در نگارگری ایران
۱۳۱	۴-۱ درآمد
۱۳۳	۴-۲ مضامین شیعی دارای مشابهت نسبی صوری و معنوی با مضامین اسطوره‌ای
۱۴۰	۴-۳ مضامین شیعی دارای مشابهت کامل با مضامین اسطوره‌ای
۱۴۵	۴-۴ رمزگرایی شیعی
۱۴۵	۴-۵ تصویرگری زندگی امام معصومین (ع)

فصل ۵	۱۶۷
تصویرگری زندگی معصومین (ع) در نگارگری عصر صفوی	۱۶۷
۵-۱ درآمد	۱۶۹
۵-۲ مضامین شیعی نگاره‌های عصر صفوی	۱۸۱
فصل ۶	۲۰۱
نسخه خطی مصور حبيب السیر (جلد اول و دوم) و نسخه خطی مصور أحسن الکبار	۲۰۱
۶-۱ کتاب حبيب السیر	۲۰۳
۶-۲ خواندمیر، مؤلف حبيب السیر	۲۰۶
۶-۳ ویژگی‌های جلد اول نسخه خطی مصور حبيب السیر	۲۰۷
۶-۴ ویژگی‌های جلد دوم نسخه خطی مصور حبيب السیر	۲۱۱
۶-۵ بررسی نگاره‌های جلد اول نسخه خطی حبيب السیر	۲۱۲
۶-۶ بررسی نگاره‌های جلد دوم نسخه خطی حبيب السیر	۲۵۸
۶-۷ نسخه خطی مصور أحسن الکبار	۲۷۷
۶-۸ ویژگی‌های نسخه خطی مصور أحسن الکبار	۲۷۸
۶-۹ بررسی نگاره‌های نسخه خطی أحسن الکبار	۲۸۲
منابع و مآخذ	۳۳۷
الف) فارسی	۳۳۷
ب) لاتین	۳۴۳
ج) مقالات	۳۴۳
فهرست منابع تصویری	۳۴۵
الف) فصل ۴	۳۴۵
ب) فصل ۵	۳۴۶
ج) فصل ۶	۳۴۷
نماید	۳۵۱

پیشگفتار

همیشه تصور می‌کردم موضوع نوشتار حاضر فرصتی برای مطالعه و پژوهش در منابع متعدد فارسی و غیرفارسی را فراهم می‌کند. بنابراین، هنگامی که آقای دکتر علی‌اصغر شیرازی از اهمیت و ضرورت تحقیق دربارهٔ هنر نگارگری ایران، با دیدی متفاوت از آنچه تا کنون عموم نویسندگان ایرانی و خارجی به آن نگریسته‌اند، یعنی از دیدگاه خاص مذهب شیعه، سخن گفتند، گمان بردم انتظار دیرینه‌ام به سر آمده است. اما با کمال حیرت دریافتم در باب این موضوع منابع چندانی موجود نیست. از این رو، وظیفهٔ خود دانستم، با وجود منابع بسیار محدود و پراکنده، در حد توان خود، گامی هرچند کوچک در جهت پرداخت موضوع پیشنهاد شده بردارم.

با این همه، تمرکز بر تحقیق و تفکر در خصوص مضامین شیعی، به منزلهٔ صورت ساختن هنر نگارگری شیعی عصر صفوی، باعث شد تا ابواب جدیدی از هنر نگارگری شیعی این عصر بر من گشوده شود. با رجوع به کتب و مقالات معدودی که به صورت پراکنده به موضوع اصلی این نوشتار

مربوط می‌شدند و نیز مطالعه مستقیم منابع دینی و تاریخی آن دوره، که عناصر اصلی مباحث مقدماتی را در بر داشتند، پی بردم که مصاحبه با استادان صاحب‌نظر در زمینه هنرهای سنتی و مبانی نظری آن و استفاده از تحقیقات و دستاوردهای ایشان، مهم‌ترین مأخذ تحقیق در باب هنر شیعی است. از این رو، توانستم از راهنمایی‌های گرانبهای استاد محمدعلی رجبی، که بر هنر نگارگری ایرانی اشراف ویژه‌ای دارند، در چگونگی تقسیم‌بندی مضامین شیعی و دیدگاهشان در تحلیل نگاره‌های عصر صفوی، به‌خصوص نسخه‌های حبیب‌السیر و احسن‌الکبار، بهره‌مند شوم. همچنین، از راهنمایی‌های ارزشمند استاد محمد رجبی، که در مبانی نظری هنر سابقه سال‌ها تحقیق و تدریس دارند، در نگارش فصل «ماهیت هنر شیعی» بسیار سود جستیم و از راهنمایی‌های خاص ایشان در نظریه و نگارش فصل اول و دوم استفاده کردم.

در طول مراعات حقیق و جمع‌آوری نگاره‌های شیعی عصر صفوی، بسیار افسوس خوردم از اینکه آثار کثیری از نسخی که مضامین شیعی دارند و سیره و زندگی امامان شیعه^۱ را به تصویر کشیده‌اند در موزه‌های خارج از کشور نگهداری می‌شوند و دسترسی به آنها امکان‌پذیر نیست، یا در داخل کشور و در موزه‌ها موجود است اما کسی به حاب آنها مبادرت نمی‌ورزد. این سستی و کاهلی از جانب موزه‌داران، «خالی و خراجی به اینجا منتهی شده است که می‌توان اذعان نمود ما امروز شناخت کامل و دقیقی از نگاره‌های شیعی و به تبع آن «تاریخ نگارگری شیعی ایران» نداریم. برای مثال، مجموعه نگاره‌های گرانبهای قاسم علی، نگارگر و چهره‌پرداز مشهور عصر تیموری و صفوی، از زندگی یکایک امامان شیعه^۲، هم‌اکنون در موزه نئین‌گراد نگهداری می‌شود و متأسفانه هیچ‌کس، نه در روسیه و نه در ایران، خواستار حاب این آثار ارزشمند نبوده است.

ابتدا بعد مسافت را دلیل بر اهمال در این امر در ایران تلقی کردم، اما پس از انتخاب موضوع پایان نامه و مراجعه به کاخ گلستان، برای عکس برداری از دو نسخه حبیب السیر و احسن الکبار، بسیار متعجب شدم از اینکه چرا این نسخ موجود در داخل کشور نیز تاکنون به صورت کامل به چاپ نرسیده اند تا ماندگار شوند. دستخوش تأثیرات زمان در تنزل کیفیت نگردند و شناخت ما را از تاریخ نگارگری ایران کامل کنند. به استثنای چند نگاره محدود در کتب شاهکارهای نگارگری ایران و گنجینه کتب و نقایس خطی کاخ گلستان، نگاره دیگری از نسخ مزبور مشاهده نکرده ایم.

گفتنی است، نسخه احسن الکبار که نخستین کتاب در تاریخ نشر ایران به زبان فارسی درباره زندگی و کرامات امامان شیعه است و الهام بخش روضه الشهداءی ملامحسن کاشفی سبزوار است، هنوز تصحیح و چاپ نشده است. تصحیح و چاپ نشدن این کتاب مشکل برای نوشتار حاضر بود که بدون آن تحلیل نگاره ها امکان نداشت. بنابراین، تنها راه ممکن، استفاده از میکروفیلم این نسخه بود که در کاخ گلستان نگهداری می شد. به همین دلیل، در شرح مضامین و نقل قول های این کتاب شماره صفحه درج نشده است.

تهیه همه نگاره های این نسخه ها برای نوشتار حاضر در ابتدا بسیار دشوار می نمود، زیرا قاعدتاً مجوز عکس برداری از کل آن ها در کاخ گلستان وجود نداشت. در کتب مصور نگارگری ایرانی و خارجی نیز، از مجموع ۳۷ نگاره، حبیب السیر و احسن الکبار، همان گونه که ذکر شد، فقط تعداد انگشت شماری به چاپ رسیده بود. به همین دلیل، استاد محمدعلی رجبی، سخاوتمندانه، مجموعه شخصی خود را در اختیار این جانب قرار دادند که شامل تعداد زیادی از نگاره های نسخ مزبور می شد و مابقی نیز با عکس برداری تهیه شد.

نکته دیگری که لازم است اینجا به آن اشاره شود حرکت گذاری کلمه

«ولایت» است که، به استثنای فصل اول و مواردی در فصل سوم، بدون فتحه یا کسره بر روی حرف «واو» ظاهر شده است.

همان گونه که می‌دانیم، انتساب معتقدات و هریک از شئون فرهنگی، نظیر هنر و معارف به تشیع، همراه با صفت ولایی (به کسر واو) و ولایی (به فتح واو) است. صورت نخست - چنان که در فصل اول خواهیم دید - مأخوذ از ولایت به معنی رهبری و سرپرستی است و صورت دوم مشتق از ولایت به معنای محبت و دوستی است. با آنکه این دو واژه با یکدیگر اختلاف آشکار معنایی دارند، صفت ولایی و ولایی از آن رو برای معارف شیعی یکسان به کار می‌روند که در معنای نخست افاده ولایت، سلسله استادان و اجازات آنها را تا مقام ولایت عظمای امیرالمؤمنین علی^{۱۴} می‌نماید که از ایشان به ولایت نبوی و ارجحاً به ولایت الهی منتهی می‌شود. لازم به توضیح نیست که ویژگی خاص هنرهای سنتی ما در همین نحو ارتباط خاص شاگرد و استاد و تأکید بر اعتبار سلسله ولایی است.

اما صفت ولایی از آن رو به معارف شیعی تعلق می‌گیرد که باطن همه آنها اعتقاد عاشقانه به اهل بیت عدل و طهارت^{۱۵}، به مثابه انسان کامل یا اشرف مخلوقات خداوند است و بنابراین ولایت ایشان، معارف شیعی و از جمله هنرهای آن را در معنا و صورت، جلوه چین در و جبین ساخته است. بنابراین، اطلاق صفت ولایی نیز بر آن جایز است. از این رو، تلمذ «ولایت» یا «ولایی» را معمولاً بدون قید کسره و فتحه آن به کار می‌برند، زیرا در هر دو معنا معارف شیعی را افاده می‌کند. در تحقیق حاضر نیز از همین قاعده پیروی شده است.

آنچه در این نوشتار پیشوانه تحقیق قرار گرفته است بر اساس پژوهش‌های پراکنده‌ای است که بخش‌های محدودی از کتب هنر اسلامی و مقالات معدوم‌مندرج در نشریات علمی - پژوهشی ایران را به صورت تألیف و ترجمه دربر می‌گیرد.

برخی از تحقیقاتی که انعکاس عقاید شیعه را در زمینه نقاشی ایرانی نشان می‌دهند به دوره قاجار و نقاشی قهوه‌خانه‌ای بازمی‌گردند که بررسی شمایل معصومین^(ع) بخش عمده آن را تشکیل می‌دهد. این آثار، هرچند در حیطه موضوع خاص خا ارز نمندند، کمتر به موضوع تحقیق حاضر مربوط می‌شوند. با این همه، آثار ذیل تنها منابع شایان توجهی‌اند که می‌توان به آن‌ها استناد کرد و هم در خصوص معنای در مورد صورت هنر شیعی از آن‌ها سود جست.

یدحسین نصر در کتاب هنر و معنویت اسلامی به ارتباط نزدیک و با هم مارف اسلامی، به‌ویژه عرفان اسلامی، با هنرهای گوناگون - هم‌چون ادبیات، نگارگری و خوشنویسی - می‌پردازد و ریشه‌های آن را، به‌ایر اعتقاد متصوفه و شیعه، مرتبط با ولی و راهبر جست‌وجو کند که سر حلقه ایشان حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب^(ع) است.

تیتوس بورکهارت در کتاب سر اسلامی، زبان و بیان، در بخش مربوط به نگارگری ایرانی، از نوع متفاوت نگاه شیعه به جهان و خصوصاً اعتقاد شیعه به امام یا ولی سخن می‌گوید. به عقیده وی، حضور امام در عالم، هم در گذشته و هم امروز که امام غایب شیعه در هر لحظه از زمان حاضر دارد و جهان فرمان می‌راند، معنا و مفهومی قدسی به جهان را می‌بخشد که در هنر نگارگری ایران باعث ظهور نوعی قدسیت گردیده است.

فریشوف شووان طی مقالاتی در کتاب هنر و معنویت به طور مفصل از هنر قدسی اسلامی سخن می‌راند و منشأ آن را در عرفان اسلامی، یعنی تفسیر باطنی و عرفانی از قرآن مجید، می‌داند. او به موارد مختلف و وجود گوناگون هنر قدسی اشاره می‌کند و مصادیق آن را مشخص می‌سازد.

جلال ستاری در کتاب عشق صوفیانه با ذکر مستندات فراوان از کتب مشهور عرفانی، که شاهکارهای ادبیات فارسی محسوب می‌شوند، از کشف و شهود صوفیانه و جمال مطلق الهی و تجلی آن در اشیا و امور جهان سخن می‌گوید که ما در خصوص بحث از جانمایه هنر ولایی از مندرجات آن سود جستیم.

محمد مددپور در کتاب حکمت معنوی و ساحت هنر به مباحث مهمی درباره هنر دینی، جلوه ولایی و ولایی حقیقت محمدی (ص) و مقام انسان کامل می‌پردازد که در فصل سوم مورد استفاده قرار گرفته است.

آنه ماری شیمل در کتاب خوشنویسی و فرهنگ اسلامی اعتقادات هنرمندان شیعه را در باب پیدایش هنر خوشنویسی از روی حضرت علی (ع) مطرح و ارتباط بین «سلسله»های اطراف صوفیه و سلسله‌های استادی و شاگردی را در خوشنویسی بیان می‌کند.

در کتاب گلستان هنر، تألیف قاضی احمد منشی، در قالب نظم و نثری زیبا پیدایش هنر تذهیب و خوشنویسی به حضرت علی (ع) منسوب شده به بحث از جایگاه حضرت علی (ع) در هنر ولایی بسیار مورد استفاده واقع شده است.

کتاب دیگر سیدحسن نصر، با نام آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام، در یک فصل کامل به وجود اشتراک و افتراق تسبیح و تسنن می‌پردازد و حضور «اسلام علی» در دنیای اهل سنت را به واسطه حضور سلسله‌های صوفیانه‌ای می‌داند که در میان آن‌ها نیز حضرت علی (ع) «امام» و «ولی» پس از پیامبر (ص) محسوب می‌شود.

کبر جویندی در کتاب نگامی به هنر تذهیب بر آن نظر تا قرن دهم هجری نکات بسیار نغزی را در قواصل بخش‌های

مختلف کتاب در خصوص نگارگری ایرانی ارائه می‌دهد که در تحلیل نگاره‌های فصل پایانی تأثیرگذار بوده است.

کتاب عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموری و صفویان، تألیف مهناز شایسته‌فر، موقعیت تشیع در دوره تیموری و اوایل دوره صفوی و نیز زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی را، که در به وجود آوردن عناصر شیعی تأثیرگذار بودند، بررسی می‌کند... این کتاب تنها کتابی است که تا کنون اختصاصاً با نام «هنر شیعی» تألیف و منتشر گردیده است. از این کتاب نیز، به دلیل آنکه فهرست بسیار خوبی از نسخ عصر صفوی با مضامین شیعی و تصاویر آن‌ها ارائه می‌شود، برای نوشتار حاضر استفاده شد.

شهرام پازوئی در مقاله‌ای با عنوان «تصوف علوی» دربارهٔ انتساب سلاسل صوفیه به حضرت علی^ع سخن گفته و به برخی سوء تفاهم‌ها در این باره پاسخ داده است. این مقاله در نگارش فصل اول و سوم بسیار سودمند بود.

محمدعلی رجبی در مقاله «هنر در قلم‌نویسی امیرالمومنین علی^ع» درج‌شده در ماهنامه خبری-آموزشی هنرهای تجسمی، سال ۱۳۷۹، و نیز مقاله «نگاهی به تاریخ و ادب معنوی نگارگری اسلامی ایرانی» در گزارش اولین نمایشگاه ده‌گانه نگارگری ایرانی اسلامی، در سال ۱۳۷۲، با ذکر مستندات و به این موضوع اشاره می‌کند که هنرمندان و هنروران و عالمان و اصناف تاریخ اسلام، در سیر عملی و نظری طریقت هنری خود، به حضرت علی^ع اقتدا کرده‌اند. این مقالات برای نگارش فصل سوم بسیار آموزنده بود.

محمد رجبی در مصاحبه‌ای با صفحهٔ ادب و هنر روزنامه کیهان، در سال ۱۳۷۰، با عنوان «هنر فدسی، هنر ولایی»، در سه شماره، به مباحثی در باب زیبایی متعالی و خیال منفصل و

مبانی نظری هنر ولایی پرداخته است که مبتای تدوین فصل سوم قرار گرفت.

همچنین مهناز شایسته فرد در مقاله «نسخه خطی حدیقه الشهداء، شاهکار نگارگری مذهبی مکتب اصفهان»، در شماره چهارم نشریه دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال ۱۳۸۵، درباره نگارگری مذهبی در دوره صفویه و نسخ مصور این دوره مطالبی می نویسد و مضامین شیعی و ویژگی های تصویری نسخه حدیقه الشهداء را بررسی می کند.

معصومه صداقت در مقاله ای با عنوان «پیامبران اولوالعزم در نگاره های قصص الانبیاء ابواسحاق نیشابوری»، چاپ شده در شماره هفتم دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال ۱۳۸۶، به تأثیر تشیع در دوره صفویه بر تصویرگری کتب مذهبی می پردازد و مضامین مذهبی و رنگ های تصویری نگاره های این نسخه را بررسی می کند.

در پایان، بر خود لازم می دانم که مراتب سپاس صمیمانه خود را به کسانی ابراز دارم که بدون آن ها این نوشتار هرگز شکل نمی گرفت:

- استاد محترم، جناب آقای دکتر علی اصغر شیرازی، رئیس محترم دانشکده هنر دانشگاه شاهد، برای تسهیل این موضوع بکر؛

- استاد ارجمند، عموی بزرگوارم، جناب آقای محمدعلی رجبی، هنرمند، محقق و صاحب نظر در هنر نگارگری ایران، که هم بزرگوارانه تحقیقات و تصاویر ارزشمند خود را در اختیار این جانب قرار دادند و هم در مشاوره های علمی اینجانب را از راهنمایی های خود بهره مند کردند؛

- استاد و پدر عزیزم، جناب آقای محمد رجبی، که همواره در مراحل مختلف تدوین نوشتار و شکل گیری نهایی - همچون آغاز تدوین آن - مرا مسئول راهنمایی های ارزشمند خود فرمودند و نیز مادر مهربان و عزیزم،

بانو زهره لاجوردی که در ایام طولانی تحقیق و تدوین همیشه مشوق و مایه دلگرمی من در این مسیر بودند؛

— سرکار خانم دکتر راضیه یاسینی، عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات؛

— دختر عوی پریانم، خانم زینب رجیبی، کارشناس ارشد رشته نقاشی و محقق و مترجم آثار علمی که با ارائه تصاویر مطلوب مرا در تدوین این نوشتار یاری کرد؛

— و در نهایت، جناب آقای دکتر اداسی و آقای دکتر یامین پور، رؤسای محترم سابق پژوهشگاه که امکان انتشار این مجموعه را فراهم کردند.

توفات این عزیزان روزافزون باد.

فاطمه رجیبی - تهران

۱۳۸۸/۸/۱۵

مقدمه

متأسفانه تاکنون توجه زیادی به هنر ایران و مخصوصاً هنر ایران اسلامی از لحاظ معنای فلسفی و تمثیلی درونی این هنر نشده است و بیشتر تحقیقات دانشمندان، که اکثراً خارجی بودند، به شرح عناصر صوری و مباحث تاریخی معطوف گردیده است. آن تعمق در جنبه درونی موضوع و علاقه مفرط به کشف معنای واقعی هنر، که در مورد هنر چینی، ژاپنی و هندی از سوی افرادی مانند کوماراسوامی (Coomaraswamy) و زیمر (Zimmer) و دانیلو (Danielou) و کرامریش (Kramrich) و سالمونی (Saimony) و اخیراً روند (Rowland) صورت گرفته است، در مورد هنر ایران اسلامی بسیار کمتر دیده می‌شود. چند تحقیق عمیق موجود در هنر اسلامی، که متوجه معنای واقعی این هنر

بوده است، توسط بورکهارت (Burckhardt) و نیز ایتینگهاوسن (Ettinghausen) و پوپ (Pope) و چند فرد انگشت شمار دیگر کاملاً استثنایی است.

لیکن امروز حتی در محافل دانشگاهی این امر به طور کلی پذیرفته شده است که هنر یک تمدن دینی در لسان رمز و تمثیل حاکی از این حقایق دینی و حکمی است که بر آن تمدن حکمفرماست و نمی‌توان اهمیت واقعی چنین هنری را با تجزیه و تحلیل‌های صرفاً تاریخی و مبنی بر صور خارجی و جوانب ظاهری این هنر، که نسبت به معنایی که این هنر حاکی از آن است بی‌تفاوت باشد، به دست آورد و از آن آگاه شد. این حقیقت همان قدر که در مورد تمدن‌های دیگر دینی، مانند یونان باستان و هند صدق می‌کند، در مورد تمدن اسلامی حقیقت دارد. با وجود این، بسیاری از اساسی‌ترین جوانب هنر اسلامی به صورت کتابی مکتوم باقی مانده است و اکثر کوشش‌های محققان در این رده است که نفوذهای تاریخی بررسی شود، نه اینکه معنای این هنر را رونی این هنر آشکار گردد.^۱

عبارات فوق خلأ موجود در تحقیقات پژوهشگران را در پرداختن به جنبه‌های فکری، معنوی و رمزی «هنر اسلامی» نشان می‌دهد. طبیعتاً تحقیقات درباره «هنر شیعی»، که از جوانب اصلی هنر اسلامی است، بسیار محدودتر انجام شده است که پروفیسور نصر به آن اشاره می‌کند و آن را «مکتوم» می‌خواند. متأسفانه بررسی و مطالعات در هنر اسلامی کمتر مضامین و ارزش‌های شیعی را در بر می‌گیرد، زیرا کتب قابل توجهی در زمینه هنر مذهبی، که عقاید شیعه را در ارتباط با هنر اسلامی بررسی کند، وجود ندارد.

۱. سیدحسین نصر، «عالم خیال و مفهوم فضا در نگارگری ایرانی»، فصلنامه هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ش ۵۷، پاییز ۱۳۸۲، ص ۸ و ۹.

از این رو، مطالعه و تحقیق دربارهٔ این موضوع بسیار ضروری می‌نمود تا شاید به سهم خود بتواند راهگشای برخی تحقیقات آتی باشد.

در هر تحقیق هنری، که موضوعی فراتر از فرم و تکنیک داشته باشد، خواسته و ناخواسته، دانه بحث به مسائلی فراتر از معنا و محتوای آثار هنری کشیده می‌شود. زیرا پیام هر اثر هنری - متعلق به هر نوعی از هنر که باشد - با تاریخ، جغرافیا، فرهنگ، تمدنی که بستر پیدایش آن بوده است، ارتباط تام و تمام دارد؛ حتی اگر اثری کاملاً «شخصی» تلقی شود. هویت واقعی هر شخص نیز، چه هنرمند باشد، چه هرمنده باشد، بی این زمینه و سابقه، قابل شناسایی و موجب ارتباط نیست.

این همه، صرفاً مربوط به معنا و محتوای اثر هنری نیست که خواه ناخواه با تمام شئون دینی، فلسفی، علمی، ادبی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اقلیمی ارتباط - مثبت یا منفی - پیدا می‌کند؛ بلکه خصوصاً در صورت اثر هنری نیز می‌توان با چشم بصیرت آینه تمام‌نمای گذشته‌ای دور را در گستره‌ای متنوع دید که بی شناخت آن حتی بحث دربارهٔ صورت، تکنیک نیز راه به جایی نمی‌برد.

از این رو، تحقیق هنری مصداق کامل کلام جاوید حافظ لسان‌الغیب است که «عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها»؛ ولی، از آنجا که این امر عموماً در فرصت‌های کوتاه زمانی و با امکانات محدود تحقق‌پذیر نیست، همواره هر تحقیقی به منزلهٔ مشتی از خروار خواهد بود و چاره‌ای هم جز آن نیست؛ که نیکو گفته‌اند:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

در تحقیق حاضر، که نوشتاری با حد و اندازهٔ معین و مشخص است، به

همین روال پیش رفته ایم و به بررسی مضامین شیعی در نگاره‌های عهد صفوی پرداخته‌ایم. آشکار است که موضوع آن، ناظر به همه وجوه اثر هنری نیست و فقط محتوا و نحوه بیان، مد نظر قرار گرفته است. از این رو، ضرورت دارد به درآمدی بر این بحث، مشتمل بر توضیحاتی نظری و تاریخی، پرداخته شود که طبعاً به معتقدات و فرهنگ شیعی و سیر تاریخی آن تا عصر صفوی معطوف خواهد بود.

این تحقیق، ویژگی‌های تصویری نگاره‌های دو نسخه حبیب‌السیر و نسخه حسن‌الکبار از دوره صفوی، با مضمون زندگانی امامان معصوم^(ع) و موضوعات عام اسلامی - که بر مبنای روایات شیعی تصویر شده‌اند - بررسی می‌شوند؛ زیرا نگارگر ایرانی، بربه هنری خود را در جهت تفکر شیعی نظام بخشیده و لذا مضامین مخفی آن تأثیر خاصی بر فضای تصویری نگاره‌ها نداشته است.

تفکر شیعی، بر اساس اسلام ولای است؛ یعنی رابطه خاص انسان را با عالم غیب از طریق انسان کامل، سی اولیاء خاص خدا - پیامبر اسلام^(ص) و امامان معصوم^(ع) - ممکن می‌داند. این امر، که بیانگر ارتباط مستمر عام و خاص خداوند با انسان و امکان شهود همه اشیا و امور است، سبب جلوه نوعی قداست در اشیا و امور جهان می‌کرد. همان گونه که خداوند نیز در قرآن مجید به آسمان و زمین، روز و شب، ماه و سوره پدید می‌آید و آن سوگند می‌خورد. در نگارگری ایرانی، اصل شفافیت، بدون پرستش و هرگونه نمادگرایی خاص که حاصل قراردادهای بشری است (مانند سمبل پر در نقاشی غرب)، سبب شده تا فضایی روحانی بر قالب و ظرف نگارگری حاکم باشد و مضامین گوناگون - اعم از حماسی و دینی به معنای خاص، داستان‌های عاشقانه و هر نوع مضمون دیگر - از این امر قدسی تبعیت کنند.

در این تحقیق، با انتخاب نسخه حسن‌الکبار، به ویژگی‌های تصویری

نگاره‌هایی با مضامین خاص شیعی دربارهٔ زندگانی امامان شیعه^(ع) پرداخته می‌شود و در نسخهٔ حبیب‌السیر نیز ویژگی‌های تصویری نگاره‌هایی با موضوعات عام اسلامی- از جمله در بیان شمه‌ای از سخنان حضرت نبی اکرم^(ص) در ذکر و تاج زدن عمر، عثمان و ایام خلافت حضرت علی^(ع)- بر مبنای روایات شیعی بررسی می‌شوند و بر این اساس پرسش‌هایی مطرح می‌گردد: آیا نگاره‌های دو نسخهٔ حبیب‌السیر و نسخهٔ احسن‌الکبار، از نظر مضمونی و نیز نمادهای شکلی و رنگی، ویژگی خاصی در ارتباط با شیعه دارند، به طوری که بتوان آن‌ها را به هنر شیعی منسوب نمود؟

آیا مضامین عام اسلامی در این نگاره‌ها با روایات شیعی هماهنگ است؟

چنان‌که گفته شد، هرچند بررسی مضامین شیعی، از نگارگری عصر صفوی با تأکید بر دو نسخهٔ حبیب‌السیر و نسخهٔ احسن‌الکبار موضوع این نوشتار بوده و تحلیل و دسته‌بندی و تشریح شده است، ولی ناگزیر از بحث‌هایی ویژه‌ای بوده‌ایم که به منزلهٔ مراحل مقدماتی ورود به بحث، ضرورت ذکر آن‌ها احساس می‌شود. تحقیق حاضر شامل شش فصل است. در فصل اول، به بررسی نمادهای پرداختیم که حوزهٔ اعتقادی شیعه را به نحو مطمئن و قابل قبولی برای مخاطب معرفی نماید. بدین جهت، به جای مباحث معمول و متداول، به بیان شاخصه‌هایی از تسبیح پرداختیم که از مرجعی قابل قبول برای کلیهٔ مسلمانان، یعنی قرآن مجید، مأخوذ باشد. لذا در فصل نخست، شاخصه‌های قرآنی اعتقاد شیعه را سرآغاز قرار دادیم. از این رو، با وجود ذکر مستندات قرآنی، که آیه‌های محکم آن کتاب الهی است، به برداشت‌های مشترک مخاطبان شیعی و غیر شیعی نیز اشاره نکرده‌ایم.

از طرفی این ضرورت نیز احساس می‌شد تا نشان دهیم که آیا بحث

اعتقادی مذکور، در طول تاریخ هزار و چهارصد ساله شیعه، جلوه و تحقق خارجی داشته یا صرفاً تحلیل و برداشتی نظری است؟ فصل دوم این نوشتار پاسخ مثبت به این پرسش از طریق مروری بر تاریخ شیعه از آغاز تا عصر صفویه است که البته تأکید بیشتر ما بر سیر تشیع در حوزه فرهنگی و سیاسی ایران بوده است. وجه دیگر ضرورت این فصل بدان لحاظ بوده است که ما بتوانیم به روشنی زمینه پیدایش صفویان و آغاز دوران جدیدی در کشورمان را با رسمیت مذهب تشیع صورت می‌گیریم. ملاحظه کنیم تا در فصول بعد توصیف تحولات فرهنگی و هنر این عصر، به وضوح، امکان پذیر باشد.

در مورد بحث اصلی تحقیق، که بررسی مضامین شیعی در نگارگری ایرانی است، ناچار از ارائه تعریفی از هنر شیعی بوده‌ایم که به طور مشخص تاریخ آن با عصر صفویه آغاز می‌گردد. در این خصوص، به ماهیت هنر شیعی پرداخته‌ایم که ضابطه ریشه‌های عمیق‌تری که به ماقبل دوره صفویه مربوط می‌شود، باز می‌گردد و از آن به «هنر ولایی» یاد کرده‌ایم. بدین جهت، فصل سوم را «هنر ولایی، ماهیت هنر شیعی» نام نهاده و جایگاه آن را در هنر اسلامی مورد بحث قرار داده‌ایم.

اما از آنجا که طرح این مسئله سابقه چندانی در منابع مکتوب نداشت، علاوه بر رجوع به متون معدودی که تصریحاً یا ضمنیاً تلویحاً به این موضوع پرداخته بودند، از مقالات و مصاحبه‌هایی که از برخی از صاحب‌نظران در نشریات کشور درج شده بود، سود جستیم.

با این مقدمات ضروری، فصل چهارم را با عنوان «تحلیل مضامین شیعی در نگارگری ایرانی» آغاز کرده‌ایم که بخشی کلی و ناظر بر دوره قبل و بعد از صفویه است. در این زمینه، به قواعد کلی بیان این مضامین پرداخته و آن‌ها را دسته‌بندی کرده‌ایم.

پس از آن، در ادامه این فصل، به بسط موضوع دسته آخر از مضامین شیعی، یعنی تصویرگری زندگی و سیره ائمه معصومین^ع، پرداخته و تاریخچه کوتاهی از آن را در قالب بررسی نگاره‌های مشهور دوره‌های ایلخانی و تیموری مرور کردیم. این امر از آن جهت صورت گرفته که تأکید این تحقیق بر دو نسخه حبيب السیر و نسخه احسن الکبار در واقع تأکید بر مصورسازی همین دسته چهارم از مضامین شیعی است. بنابراین، ناگزیر از ذکر تاریخچه‌ای از آن بودیم تا مقدمه‌ای برای ورود به فصل پنجم و معرفی نمونه نگاره‌هایی از این دوره غیر از دو نسخه مذکور قرار گیرد. مرور نگاره‌های شیعی عصر صفوی از این رو صورت گرفت تا از طرفی هرچه بهتر بتوانیم دیدی کلی بر مضامین شیعی این عصر داشته باشیم و و نسخه حبيب السیر و نسخه احسن الکبار را در ظرف نگارگری شیعی این عصر بررسی نماییم و از طرف دیگر برخی از شاخصه‌های اعتقادی شیعه را، در آینه‌ای از این دو نسخه نمایانیم، در سایر نسخ شیعی عصر صفوی شاهد باشیم.

در فصل ششم، می‌توانیم پیوند آشکار همه فصول این رساله را با یکدیگر شاهد باشیم. در این فصل، کلیه نگاره‌های دو نسخه حبيب السیر و نسخه احسن الکبار، مطابق ترتیب اصل نسخه خطی آن‌ها، معرفی و تحلیل شده‌اند. بررسی همه نگاره‌ها باعث شد دیدی جامع از این نسخ به دست آید؛ به طوری که بتوان در بخشی مجزا ویژگی‌های کلی تصویری نگاره‌های هر نسخه را برشمرد و مضامین آن‌ها را دسته‌بندی کرد. البته در این نسخ، مضامین غیر شیعی نیز مانند داستان پیامبران وجود دارد که تعدادی از آن‌ها مبتنی بر اعتقادات شیعی مصور شده است. اما تعدادی دیگر صرفاً به روایتگری داستان پیامبران پرداخته‌اند، زیرا چنان‌که می‌دانیم و در فصول این پژوهش نیز بدان اشاره خواهیم کرد، مفهوم «امام» برای شیعه به منزله وارث معنوی

پیامبر خاتم^(ص) و به همین اعتبار، وارث معنوی همه انبیا گذشته است. به همین جهت، در زیارت نامه‌های امامان شیعه، آن‌ها وارثان پیامبران پیشین خطاب شده‌اند. از این رو، ذکر هر ماجرای که تعلق به یکی از انبیا داشته باشد جزئی از میراث امامان شیعه^(ع) محسوب می‌شود. این مسئله در مضمون نگاره بیست و یکم نیز به خوبی ملاحظه می‌شود.

مطالبی که در بخش‌های ۱-۶ و ۲-۶، از فصل ششم، در معرفی کتاب و مؤلفه حبیب‌السیر می‌آید تلخیصی از مقدمه کامل و مبسوطی است که مرحوم استاد دین‌الدین همایی بر این کتاب نوشته است.

روش‌های نگاره‌های حبیب‌السیر و أحسن‌الکبار غالباً بر یک قاعده ثابت است. ابتدا موضوع نگاره در یک جمله معرفی شده و سپس شرح مضمون آن، یا استدلال به متن نسخه، بیان گردیده است. پس از آن، ویژگی‌های صوری نگاره توصیف شده با مقایسه‌ای بر تفسیر رمزی آن قرار گیرد. گاهی نیز، بنا بر ضرورت، تفسیری هر نگاره در حین برشمردن ویژگی‌های صوری آن انجام می‌شود.